

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

صبا راهی
۲۰ اکتوبر ۲۰۱۵

هاشمی رفسنجانی قاتل کارگران: آهای نفس کش

در تاریخ ۱۸ مهر [میزان] ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام نوکر امپریالیسم و دزد دسترنج کارگرها به ریاست سر دسته دزدها هاشمی رفسنجانی قاتل طبقه کارگر تصویب کرد:

" دارائی‌های مسوولان محرمانه است بر اساس ماده ۵ طرح رسیدگی به دارائی مقامات، مسوولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران.

فهرست دارائی‌های افراد مشمول و نیز اسناد و اطلاعات مربوط به آن به جز در مواردی که در این قانون و آئین‌نامه ذیل آن تعیین شده است، محرمانه بوده و هر یک از مسوولان و کارکنان که حسب وظیفه مأمور تهیه، ثبت، ضبط حفظ فهرست دارائی‌های افراد مشمول یا اسناد و اطلاعات مرتبط با آن، موضوع این قانون باشند و یا بر حسب وظیفه اسناد مذکور در اختیار آنان قرار گیرد، اگر عالماً عامداً مرتکب افشاء یا انتشار مندرجات این اسناد شوند و یا خارج از حدود وظایف اداری در اختیار دیگران قرار دهند یا به هر نحوی دیگران را از مفاد آنها مطلع سازند، به یکی از مجازات‌های درجه ۶ مقرر در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم خواهند شد. همین مجازات در مورد کسانی نیز مقرر است که با علم و اطلاع مبادرت به افشاء، چاپ و یا انتشار اطلاعات مزبور نموده و یا موجبات افشاء، چاپ و یا انتشار آنها را فراهم نمایند"

دارائی چیست؟ آیا خدای دورغینی که ستمگران برای ترساندن ستمدیدگان ساخته اند از آن بالا کُپه کُپه می ریزد و افراد به خصوصی آن را جمع می کنند؟ البته جان دی راکفلر سر دسته ستمگران دنیا گفته است که "خدا" پول را به او داده است! آیا کارگر و زحمتکش می تواند دارائی داشته باشد؟ وقتی می گوئیم دارائی یعنی چندین چاه نفت، چند پارچه آبادی و چند برج و چند کارخانه و چند خانه مجلل در اروپا و یک یا دو جزیره در آبهای فلان جا و باغ‌های پسته و خلاصه اینها دارائی هائی اند که کارگر و زحمتکش هرگز نه دارای آنها است نه هرگز به فکر داشتن آنها است. برای این که کارگر و زحمتکش می داند که دارائی های اینچنینی هرگز از راه عرق جبین ریختن به دست نمی آید مگر مکیدن خون ستمدیدگان!

اصلاً چرا دارائی باید محرمانه باشد؟ آیا اینها از بانک های امپریالیستها می ترسند؟ که اگر به قول معروف تقی به توفی خورد اموالشان مصادره بانکهای دزدهای جهانی شود؟ مگر بانک های امپریالیستها دارائی های شاه قاتل را به مردم ایران برگرداندند؟ به مردم منظور کارگران و زحمتکشان است نه مفت خورهای زالو و یا دولت دست ساز خودشان

رژیم اسلامی که اگر اینکار را هم بکنند باز هم سودش به جیب خود خونخواران جهانی و داخلی مثل رفسنجانی که هزار بار باید گیوتین گردن آن کارگر کُش را بزنند می رود و نه توده های ستمدیده.

حدود بیست و پنج سال پیش وقتی مردم در کوچه و بازار بلند بلند می گفتند از دزدهای رفسنجانی و سایر اوباش دولت اسلامی حرف می زدند، دولت وقت که همین رفسنجانی قاتل کارگران رئیس دزدها بود قانونی را تصویب کرد که هرکس به سردمداران حکومت توهین کند یا نسبت های "ناروا" بدهد تا سه سال حبس خواهد کشید.

البته در کتاب " قانون" دیکتاتوری عریان از قبیل دیکتاتوری رژیم اسلامی که تا زیر دماغش در ماتحت امپریالیسم است از این بندها و تبصره ها زیاد است. علت آن هم بسیار واضح است. این قاتلان کارگران از اربابان جهانی خود نمی ترسند، چرا بترسند؟ اربابان جهانی اینها یکی مثل شاه نوکر دست به سینه شان را از مهلکه مرگ نجات می دهند و می گذارند که با سرطان خونس به درک واصل شود و یکی را هم مثل صدام حسین چون ممکن بود که زبان باز کند و بگوید که از کجا دستور می گرفته که مخالفان را سر به نیست کند و یا چشم و دست و پا بسته از بالای پشت بام به زمین پرتاب کند، یا که چطور دستور گرفته که با رژیم ضد کارگری اسلامی در ایران وارد جنگ شود و خیلی موضوعات دیگر. و یا حتی بن لادن که زمین و زمان را زیر و رو کردند تا او را بکشند، برای این که آن نوکرشان نیز زبان باز نکند.

هاشمی رفسنجانی قاتل کارگران، در حال آماده کردن دولت حسن روحانی (فریدون) برای سرکوب های بیشتر اعتراضات کارگران و زحمتکشان است. ۹۰۰ اعدام برای دولت حسن روحانی افت دارد، همانطور که پیشینه آم کُشی او حکایت می کند هزاران هزار را باید کُشتار کند، البته با کمک جاده صاف های جنایتکاری چون حسین کمالی، همان توده ئی منفوری که خوش خدمتی اش به سرمایه داری را در دوره رفسنجانی قاتل با ممنوع کردن هر گونه اعتصاب و اعتراض کارگری به بهانه معلوم الحال " همسوئی با دشمن" به نمایش گذاشت.

اما مردم ایران نباید اجازه دهند که جانیانی چون خامنه ای، رفسنجانی، احمدی نژاد و روحانی و میرحسین و کربوبی و مسگر آبادی و ... جان سالم از ایران بدر ببرند. نه آنها و نه خانواده های مفت خور آنها که با مکیدن خون کارگران و زحمتکشان و تمام کودکانی که در ایران به جای تحصیل گدائی می کنند، مواد مخدر می فروشند و معتادند، تن فروشی می کنند، و با مرگ های زودرس زندگی سیاه خود را به پایان می رسانند.

بگذار بگویند که ما مخالف اعدامیم! این قلم هم مخالف اعدام است. اعدام برای این جانپان بسیار باشکوه است! مردم ستمدیده جان به لب آمده این جانپان را اعدام نمی کنند! آنها را تکه تکه می کنند!

کسانی که اول انقلاب را به یاد دارند باید خوب به خاطر بیاورند که در میدان ژاله (میدان شهداء) مردم نصیری رئیس ساواک را داشتند تکه تکه می کردند، برخی ها می گفتند این بدلش هست خودش نیست، خودش را پیدا کنیم، که در همین اثنا که " امدادهای غیبی" با کمک توده ئی های منفور و اکثریتی های منفورتر او را از دست مردم نجات داد و او را با مرگی راحت به درک واصلش کردند.

خانواده های این قاتلان کارگران اگر با چپاولگری و جنایات پدرانیشان سر سوزن مخالفتی داشته باشند خود را از سر سفره آنان کنار می کشند! اما کسی که پول پدر را می خواهد و برایش فرقی نمی کند که نانش را در خون کارگران و زحمتکشان و محرومان و زنان آزادیخواه آن مملکت می زند و کوفت می کند باید بداند که همان سرنوشتی در انتظار اوست که در انتظار " پدر دزد و قاتل کارگران" ش می باشد.

گردن رفسنجانی قاتل کارگران و زحمتکشان و محرومان چندین بار گیوتین لازم دارد. نه نمی شود! باور کنید نمی شود با یک قلب هم ستمگر را دوست داشت و هم ستمدیده را! کسی که این چنین احساسی را بیان می کند اگر نادان و خام نباشد بی شک دورغ می گوید و ریا در سر دارد و از منافع بورژوازی کارگر گش دفاع می کند. مگر می شود قاتلان کودکان کارتون خوابی که در زمستان از سوز سرما به آرامی می میرند را دوست داشت؟ مگر می شود نوکران امپریالیسم را دوست داشت؟ قاتلان شکم های گرسنه، قاتلان کودکان کار، قاتلان کارگران و زحمتکشان، قاتلان زندانیان سیاسی را در هر سنی که هستند هیچ مجازاتی جز مرگ شایسته آنان و خانواده های مفت خور و انگل شان نیست!

۲۸ مهر [میزان] ۱۳۹۴ / ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۵